روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
یکشنبه | ۲۹ دی ۱۳۹۸ | ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ | ۱۹ ژانویه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۸۴۶ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۱ سال و ۷۴ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2846 | SUN.JAN.19, 2020 | ISSN:2008-2886

به مناسبت بیستمین مراسم بزرگداشت صادر شد

پیام رهبر انقلاب به کنگره شهدای منطقه ۱۷ تهران

صفحه ۲

توجیه آمریکایی‌ها در تأخیر ۱۰ روزه برای اعلام آمار اولیه زخمی‌های پایگاه عین‌الاسد

پنتاگون: ما هم پنجشنبه فهمیدیم

صفحه ۷

ادعای «موفقیت دولت در اقتصاد و روابط خارجی» چقدر به واقعیت نزدیک است؟
«وطن امروز» عملکرد دولت در حوزه تجارت با دنیا را بررسی کرد

نابلدیسم اقتصادی

صفحه ۵

ورزش هم دایورت

در سایه غفلت مدیران وزارت ورزش، نمایندگان ایران تهدید کردند از لیگ قهرمانان فوتبال آسیا کناره‌گیری می‌کنند

پشت پرده سفر سلطانی‌فر و صالحی‌امیری به سوییس
چه بود و چرا توماس باخ، رئیس کمیته بین‌المللی المپیک از تعهد جدید ایران حرف می‌زند؟

خواب زمستانی

صفحه ۶

عکس: وحید احمدی، تسنیم

تیترهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، عملاً فعالیت‌های کانال خرید برجام متوقف شده‌است

نتیجه آنچه بلد است!

■ چگونه برجام باعث نظارت و احاطه نهادهای غربی بر زنجیره تأمین اقلام صنایع کشور شد

صفحه ۳

حسن روحانی:

در داستان برجام هیچ تقصیری نداشتیم

صفحه ۲

ماجرای ادامه‌دار ادبیات سخیف رئیس‌جمهور آمریکا

فحاشی ترامپ به مادرش

ترامپ با اشاره به خودش:
می‌خواهند این حرامزاده را استیضاح کنند

صفحه ۷

گزارش تحلیلی «وطن امروز» از بیانات رهبر انقلاب درباره رویکردها و اهداف نیروی قدس

سپاه بدون مرز

■ سپاه قدس بعد از نابودی داعش، پروژه خروج آمریکا از منطقه را در دستور کار دارد

صفحه ۲

بیانیه

بیانیه دانش‌آموختگان دانشگاه شریف

باور نداریم کسی از روی عزاداری تخم نفاق بین مردم بپاشد

بیش از هزار نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف با صدور بیانیه‌ای نسبت به اتفاقات اخیر در کشور واکنش نشان دادند.

به گزارش «وطن امروز»، دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف در بیانیه‌ای اعلام کردند: باور نداریم کسی از روی دلسوزی یا عزاداری یا اعتراض، آتش کینه بر مقدسات مردم و ارکان این نظام و انقلاب بگشاید و تخم نفاق بین مردم بپاشد.

متن این بیانیه به شرح زیر است.

بسم الله الرحمن الرحیم

این روزها برای مردم ایران به کندی یک عمر می‌گذرد. زمستانی سرد، پر از داغ‌هایی سخت و جانکاه. هنوز از شهادت مظلومانه سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی قلب‌های همه آکنده از درد بود که فاجعه کرمان اتفاق افتاد و هنوز با آن کنار نیامده بودیم که سقوط اندوهناک و غم‌انگیز هواپیما، دوباره داغدارمان کرد.

در این میان اما خروش اقیانوس عاشقان در مراسم تشییع حاج قاسم سلیمانی، دل‌ها را به هم پیوند داد و مرهم کوچکی بر زخم‌های مردم بود. راز این حضور کم‌نظیر را باید در شخصیت حاج‌قاسم سلیمانی جست. کسی که در نهایت بندگی در مقابل پروردگار، سینه‌اش مالامال از عشق و عطوفت به مردم؛ و در همان حال، قلبش آکنده از خشم و نفرت از استکبار جهانی بود. او قطعاً یکی از نشانه‌های الهی بین ما و تفسیر آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» بود که توانست از مردمی با گرایش‌ها و گویش‌های مختلف، نه‌تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای منطقه دلربایی کند.

این دقیقاً همان چیزی بود که دشمن خونخوار مستکبر، یعنی آمریکا، تحمل آن را نداشت. همان‌طور که تحمل آزادی و استقلال کشورهای منطقه و رفاه مردم ایران را نداشت و همانگونه که تحمل پیشرفت علمی و دانشمندان و دانشگاه‌های ما را نداشت تا جایی که همین دانشگاه شریف را تحریم و به اساتید و دانش‌آموختگانش انواع محدودیت‌ها و فشارها را تحمیل کرد. آمریکا سعی کرد اینها را از ما بگیرد اما یک چیز را هرگز نتوانست و آن هم آزادگی و احساس شخصیت ما بود.

چون ما در مکتب سیدالشهدا(ع) آموخته‌ایم تن به ذلت ندهیم و آنچه خود داریم، از بیگانه تمنا نکنیم. همین آموزه عاشورایی بود که این ایمان و جسارت را به دلاورمردان ایران و میراث‌داران بحق حاج قاسم سلیمانی داد که با هدف قرار دادن پایگاه عین‌الاسد سیلی سختی به آمریکایی‌ها بزنند و غرور پایمال‌شده ملت ایران را برگردانند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آیا شر ترامپ میراث ضداخلاقی آمریکاست؟

از گرگ وال‌استریت تا شیطان کاخ سفید

محمدمهدی معیر: روزبه‌روز بر تعداد آمریکایی‌هایی که باور پیدا می‌کنند باراک اوباما جاده را برای ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید صاف کرده است، افزوده می‌شود. مناسبات پیچیده سیاسی، اقتصادی و نظامی ۳ دهه اخیر را که اینچنین در روز روشن در پایتخت «نظم نوین جهان» از دل مادران نولیبرالیسم چون هیلاری کلینتون و میشل اوباما، پسران فاشیستی همچون دونالد ترامپ و جان بولتون را زاییدند، فراموش کنید. همین گناه، اوباما را بس که با حمایت از ساخت پربیننده‌ترین و در عین حال غیراخلاقی‌ترین سریال و البته داستان تاریخ بشریت یعنی «بازی تاج و تخت» یا پر و بال دادن به وال‌استریت و هالیوودی که آثار کثیف مشترکی چون «گرگ وال‌استریت» را به جهان معرفی کردند، الگوهایی منحط برای حاکم شدن و نخبگی تدوین کرد. آیا می‌توان منکر شد این آثار به اصطلاح فرهنگی که تنها مشت نمونه خروار هستند، ذهنیت آنچه را که توسط دموکراسی غربی، «انسان مدرن» خوانده می‌شود شکل نداده است؟

در واقع می‌توان گفت کسی مثل ترامپ که مخالف و موافقش با شخص خود او بر سر صفات غیراخلاقی‌اش چون «کثافت» و «حرامزاده» اشتراک نظر دارند، انتخاب طبیعی دموکراسی برآمده از چنین انسان‌هایی باشد.

ترامپ روز جمعه با «حرامزاده» خطاب کردن خودش در دیدار تبلیغاتی با اعضای تیم فوتبال آمریکایی اس‌ال‌یو، رسما کارزار انتخاباتی جدید برای انتخابات پاییز آتی را کلید زد. در واقع به سبک کارزار تک شعاری همتای انگلیسی‌اش بوریس جانسون در انتخابات سراسری اخیر بریتانیا، ترامپ ورای همه شعارها و قول‌هایی که در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین مطرح کرده بود، این بار به وضوح برای رای آوردن به همین وصف رکیک از بی‌بند و باری اخلاقی‌اش بسنده کرده است.

همان روز، ساعاتی پیش از آنکه شاهد آخرین موج لجن‌پراکنی‌های توئیتری و شفاهی جناب پرزیدنت به انگلیسی و فارسی باشیم، مقاله‌نویس باسابقه روزنامه نیویورک‌تایمز پاسخی در خور به این پرسش داشت و خلاصه حرف دل خود و بسیاری از آمریکایی‌های به اصطلاح دلسوز دیگر از جمله «رابرت دنیرو» بازیگر پرآوازه را زد که احساس می‌کنند همشهری نیویورکی او، سرزمین رویاهای‌شان را به لجن کشیده است و همین‌طور هر غلطی که می‌خواهد می‌کند (دقیقا عین تعبیر دنیرو در آخرین مصاحبه‌اش با سی‌ان‌ان). تیموتی اگان در یادداشتی بسیار پربازدید در نیویورک‌تایمز با عنوان «شر ترامپ مسری است» نوشت حضور چنین رئیس‌جمهوری در راس قدرت واشنگتن به خودی خود نشان‌دهنده آن است که «آدم خوب‌ها» در ایالات متحده به حاشیه رفته‌اند.

او دقیقا چنین توصیفی از رئیس‌جمهور آمریکا دارد: «ترامپ، انسانی نادان، کینه‌جو و خودشیفته است. وقت آن رسیده سخنان جسورانه آن افسر نیروی دریایی را تکرار کنیم که گفت: تحت مدیریت ترامپ، ایالات متحده یک اتحادیه فساد است که هزاران نقطه شر محرک آن هستند و آن شر، واگیردار است».

اگان در ادامه لب کلام را می‌گوید؛ اینکه ۳ سال گذشته مصداق زمامداری شیطان بر آمریکا در غیاب آدم خوب‌ها بوده است.

خب! همان‌طور که از بندهای آغازین این مقاله برمی‌آید، این حرف‌ها در وهله اول واکنشی بوده است به ترور جنایتکارانه سردار قاسم سلیمانی و تهدید ترامپ به ویران کردن آثار فرهنگی ایران. چنین نگاه انسانی‌ای از روزنامه‌نگار آمریکایی سزاوار قدردانی است، بویژه از سوی ما ایرانی‌ها و البته نگرانی اگان و هم‌صنفانش درباره بلایی که بر سر اخلاقیات در بالاترین سطح مناسبات جامعه آمریکایی آمده قابل درک است اما بگذارید ما هم نقد خود را به نقد او داشته باشیم. کافی است به تیتر یک‌های همین روزنامه نیویورک‌تایمز یا شبکه دوست و برادرش در جناح لیبرال- دموکرات یعنی سی‌ان‌ان در این چند هفته اخیر نگاهی بیندازیم و قیاسی داشته باشیم میان آنها با فاکس‌نیوز یعنی رسانه کله قرمزهای سخت سر جمهوری‌خواه. مگر چیزی جز ردپای همان گرگ‌های وال‌استریت و «ترامپک»های دموکرات در یک دعوای کاملا یهودی می‌بینیم؟ مگر غیر از این بوده است که با آغاز نخستین مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای دموکرات، رسانه‌های آنها به خاطر ریخت و پاش یک میلیارد دلاری بلومبرگ برای کارزار انتخاباتی خانم الیزابت وارن، همه ادعاهای ۴ سال اخیر خودشان درباره شایسته بودن برنی سندرز، استاد دانشگاه پیر سابقا چپ‌گرا را نفی کرده و در حال ارائه تصویری غیراخلاقی از او با دستمایه قرار دادن واهی‌ترین بهانه‌ها مثل مخالفت تلویحی پیرمرد با ریاست‌جمهوری زنان هستند؟

تصورش اصلا دشوار نیست که ترامپ، کازینودار و سلبریتی هرزه نیویورکی به عنوان دوست خانوادگی کلینتون‌ها، در ۲ دوره ۸ ساله بوش پسر و اوباما، در کنار تجارت و تفریحاتش در طبقه آخر برج شخصی منهتن یا ملک فلوریدا، پای چنین رسانه‌ها و سریال‌ها و فیلم‌هایی نشسته و مشق دموکراسی کرده و بعد سودای قدرت را در مخیله‌اش با کثیف‌ترین فرمول‌های موجود پرورانده است.

حتی اگر او با وسواس عجیبی همه آثار نخستین رئیس‌جمهور دو رگه در ایالات متحده را بزداید یا دموکرات‌ها فریاد بزنند که جمهوری‌خواهان با همدستی آیپک (لابی یهودی اسرائیلی) در حال حذف آنها از عرصه سیاست هستند، باز هم زنجیره‌ای که دولت‌ها و روسای‌جمهور مختلف آمریکا را به هم متصل می‌کند، قابل مشاهده است. درست مثل یک زنجیره ژنتیکی که نه فقط حاکمان و سیاستمداران، بلکه کل طبقه نخبه آمریکا را به طبقات مختلف جامعه مرتبط می‌کند. این هم می‌تواند حکم یک زنجیره غذایی را داشته باشد که از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌شود که توسط سرمایه‌داران و سیاستمداران در راس هرم بلعیده می‌شوند و هم یک زنجیره از سنت‌ها و باورها که باعث می‌شود عرصه قدرت در واشنگتن، ۵۰ ایالت و ۹ منطقه و محدوده تابع آن شباهتی عینی با مناسبات غیراخلاقی نمایانده‌شده در سریال «بازی تاج و تخت» بیابد. از یک طرف دستگاه حاکمه آمریکا با رفتاری که تنها می‌توان آن را بر اساس قانون جنگل دانست همه پیمان‌ها و توافقات قدیم و جدید و قوانین و عرف داخلی و خارجی را زیر پا می‌گذارد و همه نظام‌های متحد (ترکیه، مکزیک، کره‌جنوبی، اتحادیه اروپایی) یا غیرمتحد (ایران، ونزوئلا، روسیه، چین، کره‌شمالی، سوریه، عراق، فلسطین و...) با خود را به جریمه، تحریم، اشغال یا حتی نابودی اقتصاد و آثار فرهنگی‌شان تهدید می‌کند و از سوی دیگر رسانه‌های حامی همین دستگاه حاکمه با زیر سوال بردن عملکرد رئیس‌جمهوری که مسؤول این سوءمدیریت معرفی می‌شود، عملا همه آنچه را طی یک قرن از سوی خود آمریکا، تحت عنوان نظم جهانی، دموکراسی و حقوق بشر تبلیغ شده قی می‌کنند. حال امروز نیویورک‌تایمز به این نتیجه آخرالزمانی می‌رسد که این خود کاخ سفید است که نماد حاکمیت شیطان و محور شرارت است. اما مگر این همان عموسامی نیست که از روز آغاز تاسیس در قرن هفدهم میلادی با معرفی کردن ملت‌های مختلف به عنوان «محور شرارت» در مقاطع مختلف و مکرر دست به قتل‌عام بومیان سرخپوست، بردگان سیاه، مکزیکی‌ها و لاتین‌ها، چینی‌ها، ژاپنی‌ها، ویتنامی‌ها، ایرانی‌ها و عرب‌ها زد؟

در سطحی عوامانه‌تر مگر این هنوز همان آمریکای دریدن شکم زنان و بریدن سر مردان ویتنامی نیست؟ مگر این هنوز همان آمریکایی نیست که محبوب‌ترین رئیس‌جمهور معاصرش به خاطر روابط نامشروع استیضاح می‌شود، در حالی که همسر تیره‌پوست جانشین دموکرات او در کاخ سفید، در کتاب خاطراتش اعتراف می‌کند که به‌خاطر توهین‌های عریان جنسیتی جرات حضور در مجلس سنا را نداشته است.

ترامپ بد! قبول! اما آدم خوب‌های آمریکایی کجا بوده‌اند؟

نگاه

نقش حاج قاسم در تقویت اقتصاد ملی

میراث سپهبد

میثم مهرپور*: برخی افراد، حضور نیروهای نظامی ایران در منطقه و حمایت از محور مقاومت را برای کشور هزینه‌زا دانسته یا در حالت خوشبینانه، برکات این حضور را صرفا در حفظ امنیت و دفاع از خاک کشور می‌دانند.

این واقعیت که سردار شهید سپهبد «قاسم سلیمانی» با حمایت جوانان ایرانی مدافع حرم و با هدایت مردم و جوانان کشورهای مقاومت طی سال‌های اخیر در راستای مبارزه با داعش، در یک جنگ تمام‌عیار، آن گروه به واقع وحشی را نابود و خطر جنگ را از ایران دور کرد و آن را به بیرون از خاک کشور برد، اگر چه گزاره درستی است اما صرف این موضوع و برکات امنیتی این حضور برای شهروندان و دولت ایران تمام واقعیت‌ها یا برکات چنین فعالیت‌هایی از سوی شهید سلیمانی در سپاه قدس نیست. در واقع حضور نظامی ایران در منطقه با فرماندهی شهید سلیمانی اتفاقا اثرات مثبت اقتصادی برای ایران داشته است؛ اثراتی که یا هرگز گفته نشده یا کسی به آن توجهی نداشته است. اگر بخواهیم مصداقی‌تر به این موضوع بپردازیم، چند سوال برای مخاطبان پیش می‌آید. برخی می‌گویند ایران با اعزام نیروهای مستشاری و امکانات لجستیکی و نظامی به برخی کشورها، هزینه‌هایی در این زمینه‌ها انجام داده و در واقع اقتصاد برای امنیت و سیاست هزینه کرده است. سوال اینجاست: آیا واقعا حضور و حمایت مستشاران نظامی ایرانی در کشورهایی مانند عراق و سوریه برای ایران صرفا هزینه‌زا بوده؟ آیا اقتصاد ما برای تحقق این امنیت و پیشبرد اهداف سیاسی ما هزینه شده است؟ مدعیان و طرفداران این نگاه چه استدلالی برای اثبات نظرات‌شان دارند؟ برای پاسخ به این سوالات به اعداد زیر دقت کنید.

یک- آنچه تحت عنوان تجارت ایران با عراق در اواسط دهه ۸۰ و بعد از حمله آمریکا به عراق وجود داشت عمدتا از جنس تجارت از طریق بازارهای مرزی و به نوعی داد و ستدهای پیله‌وری میان ۲ کشور بود. در آن سال‌ها کل تجارت ایران با این کشور در خوشبینانه‌ترین حالت رقمی کمتر از ۸۰۰ میلیون دلار بود. از سال ۸۷ و با خروج آمریکایی‌ها از عراق و تقویت نقش سپاه قدس در این کشور اوضاع تجاری ایران و عراق روزهای تازه‌ای به خود دید. در حالی که آمریکایی‌ها میلیاردها دلار هزینه در عراق کرده بودند اما به یُمن حضور نیروهای شهید سلیمانی و تقویت مناسبات با طرف عراقی این رقم در سال گذشته به چیزی حدود ۹ میلیارد دلار رسید. جایگاه و اهمیت این رقم زمانی مشخص‌تر می‌شود که بدانیم این رقم فارغ از صادرات برق، درآمدهای ترانزیتی و صادرات چمدانی ایرانی‌ها به عراق است. ضمن اینکه اقتصاد ایران در بدترین شرایط تحریمی خود قرار داشته و میزان تبادلات تجاری ایران با مجموعه کشورهای اروپایی (۵۰ کشور) و آمریکا که از ابتدای دولت یازدهم بر گسترش روابط تجاری با آنها تاکید می‌شد، حتی یک چهارم میزان صادرات ما به عراق نیست. با این شرایط و در حالی که موانع سنگینی برای صادرات کالاهای ایرانی به خارج از کشور ایجاد شده ایران توانسته بعد از چین و ترکیه سومین کشور تامین‌کننده کالاهای کشور عراق باشد؛ به طوری که بر اساس آمارهای رسمی، ایران طی سال‌های ۱۴-۲۰۰۷ همواره سهمی کمتر از یک درصد از کل واردات منطقه اتحادیه اروپایی را به خود اختصاص داده است. این سهم در سال‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است؛ چنانکه این رقم حتی در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب به ۰/۰۲ و ۰/۰۳ درصد هم رسید.

علاوه بر حجم قابل توجه مبادلات اقتصادی ایران با عراق، نقش استراتژیک این کشور در دور زدن تحریم‌ها از سوی ایران نیز قابل انکار نیست. بی‌شک وجود شرایط مناسب اقتصادی میان ایران و عراق در سال‌های گذشته مرهون حضور و فعالیت‌های شخص سپهبد شهید قاسم سلیمانی در این کشور و فعالیت‌های صورت‌گرفته در دور زدن تحریم‌ها و افزایش عمق مراودات میان ۲ کشور است.

■ **اهمیت استراتژیک محور مقاومت**

دو- از سوی دیگر در اهمیت استراتژیک کشورهای حوزه مقاومت و روابط اقتصادی- سیاسی ایران با این کشورها ذکر چند مورد الزامی است:

الف- این کشورها به عنوان بازکننده مسیر دریای مدیترانه به سوی ایران محسوب می‌شوند. ارتباط با عراق و سوریه دسترسی به این مهم را برای ایران بسیار آسان کرده است، چرا که دسترسی به بنادر دریای مدیترانه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی ایران می‌تواند تاثیرات بسیار زیادی بر صحنه اقتصاد ایران به جا بگذارد.

ب- تجار ایرانی از اقلیم کردستان برای ترانزیت کالا به سوریه استفاده می‌کنند، فعال‌سازی این مسیر و تسریع در فعالیت‌های تجاری برای دسترسی به بازارهای سوریه می‌تواند بازارهای خوبی را در سوریه به روی کالاهای ایرانی در آینده باز کند.

پ- سالانه رقم قابل توجهی کالا وارد بندر ام‌القصر عراق می‌شود اما از آنجا که عراق کالای چندانی برای صادرات ندارد، عمده این کشتی‌ها بدون بار به مقاصد خود می‌رسند. با توجه به روابط اقتصادی با عراق و امنیت ایجادشده در این کشور، ایران می‌تواند کالاهای صادراتی خود را به راحتی وارد بندر ام‌القصر کرده و با توجه به اینکه یکی از مشکلات تحریمی ما در سال‌های اخیر مسائل مربوط به حمل‌ونقل است و بسیاری از خطوط کشتیرانی دنیا روابط خود را با ایران قطع کرده‌اند، ما می‌توانیم کالاهای خودمان را از این طریق و بدون پرداخت هزینه‌های اضافه به بازارهای جهانی صادر کنیم.

■ **آینده مهم این روابط**

سه- علاوه بر نقش استراتژیک این کشورها در روابط اقتصادی و مبادلات تجاری ایران، جمهوری اسلامی می‌تواند در بازسازی سوریه و عراق نیز نقش ویژه‌ای ایفا کند؛ با توجه به اینکه بازسازی عراق و سوریه هنوز آغاز نشده است، شروع بازسازی می‌تواند ایران را تا ۱۰ سال آینده در ارائه خدماتی چون فنی- مهندسی، ساختمان‌سازی، تولید مصالح ساختمانی و... وارد بازار بسیار بزرگی کند. در حال حاضر عمده روابط ما با عراق روابط تجاری است، در حالی که ظرفیت عظیمی در سایر حوزه‌ها اعم از پزشکی، صنعت و زیرساخت‌ها برای تداوم همکاری با عراق و سوریه وجود دارد؛ همکاری‌هایی که البته پیش‌شرط اصلی آن وجود امنیت در این کشورهاست. حال سوال این است: اگر حاج‌قاسم و فعالیت‌های مستشاران نظامی ایران طی سال‌های اخیر نبود، آیا فعالیت ایران در بازارهای سوریه و عراق تا این اندازه ممکن بود؟ میراث حاج‌قاسم برای ایران صرفا محدود به مسائل نظامی و امنیتی و بیرون بردن جنگ از مرزهای جغرافیایی ایران نیست؛ میراث شهید سلیمانی برای ایران چیزی فراتر از این حرف‌هاست.

***کارشناس ارشد اقتصاد**